دریچه

سرنگ آلوده هرگز عامل شیوع ویروس HIV در لردگان نبوده است

● **شرق:** وزیر بهداشت گفت: در روستای چنارمحمودی از مدت‌ها قبل و از بیش از ۴۰ روز پیش، گزارش‌هایی از موارد آلودگی با ویروس HIV داشتیم که همکاران ما بسیار آرام و بی‌صدا و با حفظ حرمت مردم شریف آن منطقه، کارها را پیش می‌بردند. دکتر سعید نمکی اظهار کرد: متأسفانه چند روز پیش از سوی یکی از مقامات محلی به‌صورت غیرکارشناسی ادعا شد که سرنگ آلوده عامل شیوع ویروس HIV در این روستا بوده که قطعا با مستندات بسیار دقیق و کارشناسی‌ای که داریم، باید بگوییم که هرگز چنین اتفاقی رخ نداده است. او تصریح کرد: متأسفانه بهورز زحمت‌کش و خدوم روستای چنارمحمودی مورد اتهام قرار گرفت و پاسخ ما این است که سرنگ آلوده، عامل شیوع این بیماری نیست و عوامل را شناسایی کرده‌ایم. البته مردم شریف و پاکیزه آن منطقه بی‌دلیل، یا از راه‌هایی به این ویروس آلوده شده‌اند که هیچ گناه و تقصیری ندارند. کودکی که از مادر مبتلا به HIV متولد می‌شود، معصوم‌تر از آن است که مورد اتهام قرار گیرد؛ یا زنی که به شیوه‌ای آلوده شده باشد که شاید اطلاعی از آن نداشته باشد. وزیر بهداشت تأکید کرد: ما و همکارانمان برای مردم شریف آن منطقه احترام ویژه‌ای قائل هستیم و به هیچ فردی در آن منطقه نباید اتهام آلودگی بی‌مورد زد و آنچه برای ما رسالت است، درمان بیماران است؛ چون پرسنل بهداشتی و درمانی آن منطقه در ابتلای بیماران به این ویروس، هیچ نقشی نداشته‌اند اما نمی‌توانیم وقتی بیمار مبتلا به ویروس HIV به ما مراجعه کرد، بگوییم ما در ایجاد این بیماری نقشی نداشته‌ایم، پس در درمان و کنترل آن نقشی نداریم.

ادامه پلمب خانه‌های پلاک قرمز شوش، مولوی و هرندی

● **ایسنا:** رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ از جمع‌آوری ۱۹۱ زن معتاد متجاهر در جریان اجرای طرح پاکسازی محلات شوش، مولوی، هرندی و بازار خبر داد. سرهنگ بخشنده در جلسه بررسی آخرین وضعیت طرح پاکسازی، ترمیم و تثبیت مناطق شوش، مولوی، بازار و محله هرندی از لوث وجود خرده‌فروشان، توزیع‌کنندگان و معتادین متجاهر گفت: طرح پاکسازی این محدوده از ۹ بهمن سال گذشته با اشراف کامل اطلاعاتی در منطقه آغاز شد و وضعیت شوش، مولوی، هرندی و محله بازار به مساحت ۲۶ کیلومترمربع به‌طور کامل رصد شد و اشراف اطلاعاتی در آنها حاصل شد. او افزود: با راه‌اندازی ۲۷ تیم اطلاعاتی کار پاکسازی این محله‌ها آغاز شد و عناصر فعال در محدوده توسط این تیم‌های اطلاعاتی شناسایی شدند به شکلی که تا به امروز که ۲۴۶ روز از اجرای این طرح گذشته است همچنان کار به‌صورت مستمر در حال پیگیری است. تاکنون در این محدوده‌ها پنج هزارو ۵۳۶ نفر از خرده‌فروشان دستگیر که بیش از ۸۵ درصد آنها روانه زندان شدند و مابقی نیز پرونده‌هایشان در حال تکمیل و بررسی است. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ در بخش دیگری از صحبت‌های خود در تشریح اقدامات پلیس در محله‌های شوش، مولوی، هرندی و بازار به انهدام ۱۵ باند تهیه و توزیع مواد مخدر اشاره کرد و افزود: اعضای این باندها با اقدامات پیچیده اطلاعاتی شناسایی و دستگیر شدند و به‌این‌ترتیب ۱۵ باند تهیه و توزیع مواد مخدر در این محلات منهدم شدند. همچنین شش باب از مراکز جمع‌آوری و تفکیک زباله در این محدوده که مورد اعتراض شهروندان بود با همکاری شهرداری تهران پلمب شده‌اند. او افزود: در اجرای طرح پاکسازی این محلات ۱۹۱ زن معتاد متجاهر در این محدوده‌ها جمع‌آوری شدند. همچنین پلمب و دیوارکشی ۹۵ باب از خانه‌های پلاک قرمز و تثبیت محدوده‌های پاکسازی‌شده انجام شده و همچنان ادامه دارد. با استقرار شبانه‌روزی نیروها در این محلات موضوع تثبیت پاکسازی این محلات دنبال می‌شود.

دسته‌بندی دانش‌آموزان به گروه قوی و ضعیف تخلف است

● **شرق:** معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش با بیان اینکه دسته‌بندی دانش‌آموزان ابتدایی در گروه‌های قوی‌تر و ضعیف‌تر تخلف است، تأکید کرد: والدین موارد را گزارش کنند. رضوان حکیم‌زاده با اشاره به تأکید سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش بر تمرکز از آموزش به تمرکز بر امر مهم تربیت گفت: ما در مقطع ابتدایی برای تمرکز بیشتر بر تربیت دانش‌آموزان، برخی موانع مانند ممنوعیت کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی به مدرسه، ممنوعیت برگزاری آزمون‌های تستی و مسابقات متنوع و با هزینه را ایجاد کردیم. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش متذکر شد: دسته‌بندی دانش‌آموزان ابتدایی در گروه‌های قوی‌تر و ضعیف‌تر به‌شدت به روان آنها آسیب می‌زند و این کار از نظر اصول تربیتی مردود و حتی تخلف است. اگر والدین چنین مواردی را مشاهده کردند، حتما به مرکز رسیدگی به شکایات آموزش‌وپرورش گزارش دهند.

نگاه فعالان حوزه زنان به فروش بلیت بازی ایران و کامبوج

راه دشوار رسیدن به مطالباتی ساده

شهرزاد همتی: بالاخره برای اولین‌بار در تاریخ پس از انقلاب، زنان توانستند بدون گزینش برای دیدن یک مسابقه فوتبال بلیت بخرند؛ اتفاقی که می‌تواند قدمی مهم در حوزه زنان تلقی شود و درهای بسته ورزشگاه را به روی آنها باز کند. اما اینکه این اتفاق یک پیروزی بزرگ است یا سهم چه کسانی است سؤالی است که در ۴۸ ساعت گذشته در فضای مجازی پرسیده می‌شود؛ سؤالی که باید جوابش را دانست. آیا صرفا بیانیه فیفا ایران را وادار به بازکردن درهای استادیوم کرد؟ آیا رایزنی‌های دولت و مجلس جواب داد و آیا این جنبش زنان بود که در تمام این سال‌ها مطالبه خود را به شیوه‌های مختلف مطرح کرد؟ این سؤالات را از فعالان حوزه زنان که در سال‌های مختلف کمپین‌هایی برای ورود زنان به ورزشگاه تشکیل دادند پرسیدیم که در ادامه خواهید خواند.

مطالبه زنان آغاز حرکت بود

ژیلا بنی‌یعقوب/ روزنامه‌نگار

اصلا بدون آنکه مطالبه‌ای در داخل کشور به صورت جدی وجود داشته باشد، امکان ندارد که سازمان‌های بین‌المللی مؤثر واقع شوند مسئله این است که ۴۰ سال است که زنان از ورود به استادیوم منع می‌شوند، چرا در هیچ دوره‌ای فیفا چنین فشاری را برای ورود زنان وارد نکرد؟ اتفاقا به‌خاطر این فیفا به طور جدی خواستار حضور زنان شد که مطالبات زنان خیلی جدی بود؛ یعنی یک جریان مهم داخل کشور وجود داشت. مواردی مانند سحر خدایاری پیش آمد و عکس‌های دختران موسوم به ریش‌دار هم به جهان مخابره شد. به بیان دیگر مطالبه باید به صورت در داخل کشور وجود داشته باشد تا بعد سازمان‌های بین‌المللی بر اساس آن مطالبه از دولت‌ها درخواستی داشته باشند و اگر این درخواست جدی زنان داخل ایران نبود، اساسا آنها چنین درخواستی را مطرح نمی‌کردند که چرا زنان را به استادیوم راه نمی‌دهید؟ چون خیلی راحت می‌توانند عنوان کنند که اصلا زنان ما نمی‌خواهند به استادیوم بروند. ولی این درخواست و مطالبه زنان در ایران دیده شد. اینکه یک عده سعی می‌کنند مدام بگویند این پیروزی محسوب می‌شود یا نه؟ باید بگوییم این تمام آن چیزی که ما زنان می‌خواستیم نبود. اینکه سهمیه‌ای تعیین شده که فقط تعدادی از زنان می‌توانند از این سهمیه استفاده کنند و بقیه آن که بسیار زیاد هم محسوب می‌شود مال مردان باشد ایدئال زنان نیست. ما منتظر آن هستیم که برای زنان سهمیه‌ای در نظر گرفته نشود و زنان هرچندتا دلشان خواست بلیت بخرند، حتی اگر تعدادشان بیشتر از آقایان بود، همین‌طور که درباره ورود به دانشگاه این اتفاق افتاد. اما این را هم درست نمی‌دانم که این اتفاقی که افتاده نتیجه تلاش‌های شبانه‌روزی زنان و دختران ما بود، آنها به‌خاطرش هزینه پرداختند و توانستند سهم کوچکی به دست بیاورند و این می‌تواند آنها را امیدوار کند برای آنکه سهم واقعی خود را طلب کنند. این درست نیست که عده‌ای آنها را تحقیر می‌کنند و می‌گویند این‌که اتفاق بزرگی نبود و نباید به‌خاطرش خوشحال باشید؛ به‌هرحال برای کسانی که معتقد به حرکت تدریجی و گام‌به‌گام هستند، این اتفاق مثبت و گام اول است و همچنان باید تلاش کنیم تا به گام آخر برسیم.

قدمی مؤثر که کافی نیست

نگار انسان/ فعال حوزه زنان

من نسبت به ماجرای بلیت‌فروشی برای زنان در بازی ایران-کامبوج نظر مثبتی دارم. ممکن است خیلی‌ها با این نظر مخالف باشند، اما من این را گشایش می‌بینم. تا پیش از این همه‌چیز گزینشی بود، اما الان مردم عادی (هرچند با تعداد محدود) توانستند بلیت تهیه کنند. هرچند تعداد اندک است، اما برای افزایش این تعداد باید تلاش شود. نظر شخصی من این است که قدم مثبتی است و باید به فال نیک گرفت، اما نباید به همین قانع بود، باید مطالبه این را داشته باشیم که سهم بیشتری برای زنان در نظر گرفته شود و این اتفاق تنها مختص به بازی‌های ملی نباشد و رفته‌رفته در لیگ هم به زنان بلیت بفروشند و رفته‌رفته جایگاه‌های خانوادگی را به زنان اختصاص دهند. خیلی از زنان برای بازی پنجشنبه پیش‌رو، پسربچه نوجوان داشتند و دوست داشتند تجربه اولین استادیوم‌رفتنشان را با پسر نوجوانشان داشته باشند، اما متوجه شدند جایگاه خانوادگی وجود ندارد. درمجموع من این اتفاق را مثبت می‌دانم، اما این کافی نیست و باید این خواسته و مطالبه دنباله‌دار باشد تا جایگاه و سهمیه بیشتری به زنان داده شود و مانند بیانیه فیفا حدومرزی برای فروش بلیت به زنان وجود نداشته باشد و عرضه به اندازه تقاضا باشد. امیدوارم این حرکت متوقف نشود و بستر لازم برای بازی‌های لیگ هم فراهم شود.

دستاوردی با کامی تلخ

منیژه مؤذن/روزنامه‌نگار و فعال حوزه زنان

من اسم امکان خریدن بلیت برای بازی ایران-کامبوج توسط زنان را پیروزی نمی‌گذارم؛ با وجود آنکه لحظه‌ای که بلیت خریدم از شدت ناباوری نه‌فقط دستانم که تمام بدنم می‌لرزید و تمام مراحلش را که ثبت می‌کردم باورم نمی‌شد که اتفاق می‌افتد. مطمئنم وقتی که از خریدن بلیت همه دوستانمان باخبر شدیم، همه گریه کرده‌ایم، چون اتفاقی بود که بعد از سختی‌های خیلی زیاد و زمانی طولانی افتاده بود. اسمش را پیروزی نمی‌گذارم، چون اولا در طول دو دهه تلاش زنان برای بازکردن درهای ورزشگاه، هزینه‌های بسیار زیادی این وسط داده شده و افرادی بودند که سال‌ها تلاش کردند و به نتیجه نرسیدند. ناامیدی بسیار زیاد بود، در عین اینکه یکی از ساده‌ترین حقوق زنان این است که امکان تماشای بازی‌های ورزشی ورزشکاران موردعلاقه‌شان را داشته باشند. این مطالبه‌ای ساده و بدیهی است. به همین دلیل شاید تلاش‌کردن و به این صورت مجبور به فعال شدن برای چنین موضوع ساده‌ای، برای بقیه دنیا حتی قابل درک هم نباشد. ولی برای ما مسئله‌ای بود که اگر خواهانش بودیم، مجبور بودیم برایش تلاش کنیم. یکی دیگر از دلایلی که این اتفاق را پیروزی نمی‌دانم این است که سر این ماجرا یک نفر جانش را از دست داده و این به‌شدت تلخ است؛ به اندازه‌ای تلخ که به این راحتی نمی‌شود فراموشش کرد. برای ورزشگاه‌رفتن و تشویق تیم مورد علاقه‌ات به کام مرگ فرورفتن، بسیار دردناک است و این موضوع تا ابد در ذهن ما به‌عنوان یکی از اتفاقات تلخ تلاش زنان برای ورود به ورزشگاه باقی خواهد ماند. فکر می‌کنم چه دلمان بخواهد و چه نخواهد، حتی اگر همان‌طور که فیفا گفته درهای تمام ورزشگاه‌ها برای همه مسابقات بدون محدودیت برای زنان ایرانی باز شود، باز هم تلخی مرگ یکی از ما در ذهنمان باقی می‌ماند. این اتفاقات و مرگ یک دختر باعث شد جامعه جهانی به این موضوع حساس شود؛ چون سال‌ها بود زنان تلاش می‌کردند دیده شوند و از آنجایی که فیفا نهادی فاسد محسوب می‌شود و با فدراسیون‌های کشورهای مختلف ارتباطات مالی دارد، اهمیتی به مطالبات زنان نداشت. البته به‌تازگی افرادی هم به کادر مدیریتی فیفا اضافه شده‌اند (سه زن) که وجود آنها هم تأثیرگذار بود؛ اما مرگ سحر خدایاری حساسیت‌ها را بالا برد. اگر این اتفاق نیفتاده بود و تلاش فیفا نبود، امکان نداشت این درها باز شود و اگر گاهی هم دری باز شده بود، صرفا گزینشی بود. این شکل ناگهانی بازکردن سایت و جایگاه‌ها را دانه‌دانه بازکردن و انتظار زنان برای اینکه جایگاه بیشتری را به دست بیاورند تا بتوانند بلیت بگیرند، باعث می‌شود از لذت خرید بلیت کم کند و باعث شود نگاهم به این ماجرا شبیه به پیروزی نباشد؛ برای اینکه آدم‌های بسیاری هستند که هنوز بلیت ندارند و مدام سؤال می‌کنند ما چه کنیم که بلیت نداریم. گرفتن این‌طور پیام‌ها برای ما ناراحت‌کننده است و فکر کنم حق ما بیش از این است. حتی اگر آن‌طور که وعده داده‌اند سه جایگاه دیگر برای زنان باز شود، تا الان که سه‌هزارو ۵۰۰ عدد بلیت فروخته‌اند و با بازشدن سه جایگاه دیگر سه‌هزارو ۵۰۰ بلیت دیگر خریداری شود، نزدیک به هفت هزار بلیت از ۸۰ هزار صندلی سهم زنان خواهد بود و نام این برداشتن تبعیض نیست. برداشته‌شدن تبعیض یعنی بدون شماره و محدودیت هر زنی بتواند هر بازی را که دلش بخواهد، ببیند. تا آن روز من نام هیچ حرکتی در راستای رسیدن به این حق را پیروزی نمی‌گذارم. می‌شود نامش را یک دستاورد یا قدمی به سوی رسیدن گذاشت، ولی پیروزی نیست. ما هنوز حق ورود به بازی‌های لیگ و حتی اجازه گذشتن از کنار ورزشگاه را هم نداریم. به خبرنگاران زن آیدی‌کارت نمی‌دهند و آنها اجازه پوشش لیگ برتر را ندارند. نمی‌دانم، شاید اگر فیفا نظارت نمی‌کرد، ما باز هم در بازی ایران و کامبوج شاهد حضور گزینشی بودیم. یادمان می‌مانند که آقای روحانی در دور دوم انتخابات وعده‌های زیادی در حوزه زنان داد که به یک‌کدام هم عمل نکرد و این پیروزی از آن او نیست. نمایندگانی بودند که کنار ما به اندازه‌ای که فضای ایران اجازه می‌دهد، فعالیت کردند؛ اما من این دستاورد را نتیجه تلاش اصلاح‌طلبان نمی‌دانم؛ چون معتقدم آنها دغدغه زنان را ندارند. هرچند اگر تلاش فیفا نبود، این اتفاق نمی‌افتاد، ولی فراموش نکنیم کسانی بودند که در تمام این سال‌ها تلاش کردند فیفا صدای زنان ایرانی را بشنود و از قدرت قانونی خود استفاده کند. اگر امثال این زنان نبودند، امروز فیفا از این مطالبه مطلع نبود.

هنوز راه زیادی مانده

یکی از دختران ریش‌دار*

راستش من بلیت نخریدم. از این اتفاق‌های قطره‌چکانی هم خسته شده‌ام. خسته شده‌ام که در بازی‌های قبلی به ما زنگ می‌زدند و از طرف نماینده مجلس و وزیر ورزش شماره ملی می‌خواستند تا گزینشی وارد ورزشگاه بشویم، درحالی‌که دوستانمان که شبیه ما در تمام این سال‌ها منتظر بودند، باز پشت در بمانند. دیروز جلوی مانیتور نشسته بودم و به سهم اندک زنان نگاه می‌کردم؛ به جایگاه‌هایی که از سر اجبار دانه‌دانه باز می‌شد؛ مثل بلیت کنسرت کسی که بعد از سال‌ها کنسرت می‌گذاشت و تا به خودت می‌جنبیدی بلیت‌ها خریداری شده بود؛ آن هم برای بازی نه‌چندان پراهمیت ایران و کامبوج. دیروز یکی از دخترهای طرفدار فوتبال که فقط ۱۶ سال دارد، زنگ زد و با گریه گفت نتوانسته بلیت خریداری کند. من بلیتی را که دوستی برایم گرفته بود، به او دادم. از خوشحالی صدایش می‌لرزید. راستش آن صدای لرزان دختر ۱۶ساله پشت تلفن وقتی گفتم من برایت بلیت دارم، آن برق چشم‌هایش برای من دستاورد بزرگی بود؛ اما ما پیروز نشدیم... ما که هنوز عزادار یکی از خودمان هستیم و چند نفر از دوستانمان به قید وثیقه بیرون هستند... ما که انگ‌های جنسیتی را تحمل کردیم و امروز در توییتر مسخره می‌شدیم و دردهایمان هیچ‌وقت التیام پیدا نمی‌کند. زمانی که تمام دختران ریش‌دار، آنهایی که در تمام این سال‌ها دلشان استادیوم‌رفتن می‌خواست و جرئت گفتنش را نداشتند، توانستند بلیت بخرند، شاید ما پیروز شده باشیم. مهم نیست دلیل این پیروزی چه کسی باشد یا سندش به نام چه کسی بخورد، مهم این است که دری باز می‌شود و نوری دلمان را روشن می‌کند.

***دختران ریش‌دار، زنانی هستند که با لباس و آرایش مردانه در سال‌های اخیر برای دیدن بازی فوتبال تیم مورد علاقه خود وارد استادیوم شدند.**

پیروی از سنت شریعتی

در همیاری با آسیب‌دیدگان سیل اخیر در استان خوزستان

پس از گذشت حدود پنج ماه از وقوع فاجعه سیل اخیر و پیامدهای آن در استان‌های گلستان، لرستان، خوزستان، کارگروه «امداد- پوران (شریعتی)»، متشکل از تلاشگران داوطلب مدنی در امر امدادرسانی به هم‌وطنان آسیب‌دیده، به همت کمک‌های نقدی مردمی، برای چند روستا از توابع شهرستان شادگان در استان خوزستان دستگاه‌های تصفیه آب نصب و راه‌اندازی کردند. تلاش این کارگروه در امدادرسانی به یاد تلاش‌های دکتر شریعتی و همسرش، پوران شریعت‌رضوی، در امر همیاری اجتماعی چنین نام‌گذاری شده و یادآور نقش این دو شخصیت در بزنگاه فاجعه‌های طبیعی مانند زلزله است. این بنیاد با توجه به محدودیت‌های قانونی و ضرورت شفافیت کامل در زمینه مالی، با همکاری «انجمن حمایت و یاری آسیب‌دیدگان اجتماعی» (احیا)، توانست این اقدام را در مناطق سیل‌زده خوزستان انجام دهد.

احسان شریعتی، مدیر بنیاد شریعتی، دراین‌باره به «شرق» گفت: «بر اساس تحلیل‌هایی که در این زمینه انجام شد متوجه شدیم مشارکت عمومی و وسعت آسیب‌ها درخصوص این حادثه نسبت به حوادث قبلی مانند زلزله کمتر بود، به همین دلیل فراخوانی از سوی بنیاد شریعتی منتشر کردیم تا درخصوص سیل‌های اخیری که به برخی شهرها آسیب رسانده بود با یک همبستگی عمومی کاری برای این مناطق انجام دهیم. ما با توجه به محدودیت‌هایی که داشتیم، خوزستان را به عنوان جامعه هدف برای کمک‌رسانی انتخاب کردیم، به دلیل اینکه هنگامی که سیل در روزهای اول در قسمت بالادست به قسمت پایین‌دست؛ یعنی جنوب کشور سرازیر شد، به مناطق بالادست خسارتی وارد و عبور کرد، اما در مناطق پایین‌دست مانند خوزستان نه‌تنها خسارت‌هایی به بار آورد، بلکه حجم زیادی از آب ناشی از سیل در این مناطق تجمیع شد، به همین خاطر ابعاد خسارت‌ها و ماندگاری سیلاب در این مناطق طولانی‌تر از سایر شهرها شد».

او در ادامه افزود: «بنیاد فرهنگی دکتر شریعتی همان‌طور که از نامش پیداست یک بنیاد فرهنگی است، به همین خاطر فعالیت‌هایی که در این بنیاد انجام می‌شود نیز باید فرهنگی باشد؛ مانند ارسال لوازم‌التحریر به مناطق محروم و سایر فعالیت‌های فرهنگی دیگر، اما با توجه شرایطی که در مناطق سیل‌زده وجود داشت و با توجه به اینکه دمای خوزستان به بالای ۵۰ درجه رسیده بود، آب منطقه آلوده بود و مردم منطقه از آلودگی آب بسیار گله‌مند بودند و آب آشامیدنی که خریداری می‌کردند به دلیل نبود فیلترهای استاندارد معمولا به درستی تصفیه نمی‌شد، ما تصمیم به انجام این کار گرفتیم».

او در ادامه با بیان اینکه دکتر شریعتی همیشه به فعالیت‌های اجتماعی علاقه‌مند بودند، اظهار کرد: «در زلزله‌ای که اواخر دهه ۴۰ در خراسان به وقوع پیوست، دکتر شریعتی با تعطیل‌کردن کلاس‌های درس خود در دانشگاه همراه با دانشجویان برای کمک‌رسانی به مناطق زلزله‌زده رفتند. مادرمان نیز همیشه در این زمینه‌ها فعالیت داشتند. او از همان اوایل انقلاب تا همین اواخر فعالیت گسترده‌ای در زمینه مدرسه‌سازی داشت، بنابراین انجام چنین فعالیت‌هایی یک سنت خانوادگی است».

فرزند دکتر شریعتی درباره فعالیت‌های نظری که این بنیاد انجام می‌دهد نیز گفت: «فعالیت‌های اجتماعی و نهادهای مردمی، از جمله جنبش‌های مدنی هستند که نیاز به بینش و چشم‌انداز نظری دارند. انجمن‌ها و جمعیت‌هایی که در این زمینه فعالیت دارند گاهی از ما می‌خواهند در زمینه‌های مدنی با آنها همکاری داشته باشیم تا چشم‌اندازی از فعالیتی که انجام می‌دهند داشته باشند، به دلیل اینکه جنبش اجتماعی و مدنی هرگز از ابعاد فرهنگی، سیاسی و حقوقی جدا نیست. فعالیت اجتماعی اصولی باید از مشخصاتی مانند شفافیت، ساختارمندی و قابلیت الگوسازی و آگاهی‌بخشی برخوردار باشد تا از فعالیت‌های رایج خیریه‌ای و نوع‌دوستانه اما ناکافی و سیزیف‌وار در شرایط بحران‌های تودرتو، متمایز شود».

کارگروه «امداد- پوران» پس از بازدید از روستاهای خوزستان در شادگان و سوسنگرد و...، در اردیبهشت‌ماه گذشته و مشاهده کمبودهای ناشی از پیامدهای فاجعه‌بار سیل، مسئله آلودگی آب شرب را در رأس اولویت‌های حیاتی منطقه تشخیص داد و تصمیم به تهیه دستگاه تصفیه آب برای رفع نیاز چند روستا گرفت و بلافاصله اقدامات اولیه را برای به‌انجام‌رساندن این پروژه آغاز کرد و در نهایت، به یاری نیروهای محلی مورد اعتماد، احداث تصفیه‌خانه برای چند روستا، با حضور معتمدان، ریاست شورای روستا، مالک زمین، مدیر مدرسه و نمایندگان کارگروه امداد - پوران، در تاریخ جمعه، ۲۲ شهریور ۱۳۹۸، به انجام رسید و مورد بهره‌برداری اهالی روستاها قرار گرفت.

هزینه خرید و نصب دستگاه که معادل ۷۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان برآورد شده بود، به یمن فراخوان «بنیاد شریعتی» و کمک‌های مردمی به حساب «انجمن احیا»، در شش‌ماهه اول سال تأمین و پرداخت شد. این دستگاه تصفیه با قابلیت اتوماتیک و دستی، توان تصفیه ۲۳ هزار لیتر آب در شبانه‌روز (۱۶ لیتر در دقیقه و ۹۴ لیتر در ساعت) را دارد (مجهز به شش فیلتر کربنی، شیرین‌کننده و میکروب‌زدا) که با توجه به قابلیت تولید آن، پاسخ‌گوی نیاز آب شرب سه روستاست. برای مشارکت روستاییان در امر محافظت و مراقبت بعدی، سرویس‌ها و مدیریت مستمر این نهاد، هزینه هر۲۰ لیتر آب معادل ۵۰۰ تومان در نظر گرفته شده. این در حالی است که پیش از این ساکنان این مناطق مجبور بودند یا با آب آلوده سر کنند یا در صورت امکان از روستاهای مجاور بشکه‌های آب را به چندین‌برابر قیمت بخرند و با تحمل مشکل حمل‌ونقل به روستاهایشان بیاورند. در برنامه کار این تصفیه‌خانه، افراد ضعیف‌تر روستا که توان پرداخت این هزینه را ندارند آب را به شکل رایگان دریافت می‌کنند.

نکته حائز اهمیت در این اقدام جمعی، هدف و رویکرد نظری این کارگروه است. در طراحی یک الگوی نمونه مدنی با کارکرد شفاف مالی و به‌ویژه تأکید بر نهادینه‌سازی نظارت شورایی میان نهادهای گوناگون محلی برای پیشبرد هر مرحله کار، از همان ابتدا که کلنگ احداث ساختمان زده شد تا آخر کار که شامل بهره‌برداری، فروش، تقسیم آب و نظارت و مدیریت آب بود، کار با مشارکت مستقیم روستاییان و معتمدان آنها پیش رفت.

توفیق این نمونه و مورد در چنین امر حیاتی و ساختاری می‌تواند در آینده در مناطق دیگر نیز تکرار شود. کارگروه امداد-پوران و بنیاد شریعتی درحال‌حاضر، با همکاری مدارس و فرهنگیان در مناطق آسیب‌دیده و محروم، کار امدادرسانی را با تلاش برای رفع نیازهای تحصیلی و فرهنگی، از طریق تهیه لوازم‌التحریر تحصیلی تا تأمین کتاب برای کتابخانه‌های این مدارس ادامه می‌دهند.

خبر

دغدغه دولت برای رفع مشکل پسماندهای ۳ استان شمالی کشور

● **ایسنا:** وزیر کشور گفت: مقرر شد که در یک ماه با حضور یک مشاوره قوی، مطالعات اقتصادی مرتبط با حوزه پسماند انجام و طرح اقتصادی نیز برای این موضوع ارائه شود. رحمانی‌فضلی در جلسه ایجاد تأسیسات منطقه‌ای تبدیل پسماند به مواد و انرژی که عصر دیروز در وزارت کشور برگزار شد، اظهار کرد: موضوع جلسه ساماندهی و جمع‌آوری زباله‌ها بود که به یکی از معضلات اولویت‌دار به‌ویژه در کلان‌شهرها در سه استان شمالی مازندران، گیلان و گلستان تبدیل شده است. وی ادامه داد: با تلاشی که در دولت شد لایحه بسیار خوبی را در دولت تدوین کردیم و به مجلس ارائه دادیم که در آنجا مشوق‌ها و امتیازات خوبی را از جمله بخشودگی‌های مالیات، سهم شهرداری‌ها و سهم دولت در نظر گرفتیم که بتوانیم در بحث زباله‌سوزها و تبدیل آن به انرژی با اعمال این امتیازات این فرایند را تسریع کنیم. امتیازات خوبی است و حدود ۲۵ درصد بخشودگی مالیات دارد. وزیر کشور اضافه کرد: موضوع دیگری که در جلسه مطرح شد، اقتصادی‌کردن این پروژه است. نظراتی در جلسه توسط دستگاه‌های مرتبط با این موضوع ارائه شد؛ به‌طورمثال وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرد که از نظر واگذاری زمین به صورت رایگان مشکلی نداریم. محیط زیست نیز اعلام کرد که آمادگی داریم زباله‌سوزها را در داخل شهرها با رعایت استانداردهای لازم زیست‌محیطی مستقر کنیم که این می‌تواند حدود ۲۰ درصد هزینه‌ها، از جمله هزینه حمل‌ونقل را کاهش دهد. رحمانی‌فضلی تصریح کرد: مقرر شد که در مدت یک ماه با حضور یک مشاور قوی در این حوزه مطالعات اقتصادی انجام و طرح اقتصادی برای این مسئله ارائه شود. این امر مستلزم همکاری مردم، شهرداری‌ها و دولت است. امیدواریم بعد از یک ماه که مجددا جلسه برگزار می‌کنیم به یک راه‌حل عملی و اجرائی مناسب برسیم و دغدغه‌های مردم در کلان‌شهرها، به‌ویژه در این سه استان را رفع کنیم. همچنین حضور استانداران در این جلسه غنیمت بود و گزارش‌ها و پیشنهاداتی نیز دادند که به آنها عمل خواهد شد.

راه‌اندازی گروه‌های امر به معروف در مراکز تجاری پایتخت

● **ایسنا:** رئیس پلیس پایتخت از هماهنگی با صاحبان مجتمع‌های تجاری و پاساژهای بزرگ برای ایجاد گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر خبر داد. سردار حسین رحیمی با اشاره به اقدامات انجام‌شده از سوی پلیس در حوزه امنیت اخلاقی گفت: در بخش امنیت اخلاقی ما شعار نمی‌دهیم، بلکه در وسط میدان عمل هستیم. در این زمینه طرح‌های ویژه‌ای را در دستور کار قرار داده‌ایم که از جمله آن اجرای طرح ناظر از ابتدای سال جاری است که بر اساس آن با کشف حجاب داخل خودروها برخورد می‌شود. نتیجه آن نیز سبب شده تا امروز که با شما صحبت می‌کنم، در مقایسه با فروردین و اردیبهشت‌ماه امسال شاهد کاهش ۸۰ درصدی کشف حجاب داخل خودروها باشیم. وی با بیان اینکه پلیس به تنهایی در این حوزه عمل می‌کند، گفت: در بسیاری از جلساتی که باید همه دستگاه‌ها گزارش کار خود را اعلام کنند، تنها پلیس است که گزارش ارائه می‌دهد. البته ما به وظایف خود عمل می‌کنیم و برای برخورد با رانندگان و سرنشینان خودروها و افرادی که در گوشه‌وکنار خیابان‌ها اقدام به بی‌حجابی و بدحجابی می‌کنند برنامه مفصلی داریم. سردار رحیمی ادامه داد: برخورد با واحدهای صنفی که اقدام به فروش مانتوهای توری و جلوباز می‌کنند نیز در دستور کار پلیس قرار دارد، حتی با صاحبان پاساژها و مجتمع‌های تجاری بزرگ نیز برای راه‌اندازی گروه‌های امر به معروف و نهی از منکر هماهنگی‌هایی صورت گرفته و این گروه‌ها پس از آموزش توسط پلیس فعالیت خود را آغاز خواهند کرد.

سرقت‌های خرد توسط معتادان متجاهر؛ بزرگ‌ترین مشکل در تهران

● **ایلنا:** رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با بیان اینکه بیشتر جرائم در صحنه جرم کشف می‌شوند، گفت: بزرگ‌ترین مشکل ما در تهران، سرقت‌های خرد است که توسط معتادان متجاهر انجام می‌شود. سردار علیرضا لطفی درباره مراکز تشخیص جرم گفت: امکانات علمی و فنی در مراکز تشخیص هویت تهران در کشور کم‌نظیر است. آزمایشگاه‌های بسیار خوب و مجهزی در تهران وجود دارند که در تشخیص و کشف سریع‌تر جرم به ما کمک می‌کنند. وی همچنین درباره وقوع جرائم در تهران خاطرنشان کرد: فراوانی جرائم جنایی و سرقت‌های خشن در تهران بسیار پایین است و بیشترین مواردی که ما با آن مواجه هستیم، سرقت‌های خرد است. ما برای برخورد با سرقت‌های خرد برنامه‌ریزی گسترده‌ای داریم، جمع‌آوری معتادان متجاهر در مناطق شوش و هرندی در همین راستاست. همان‌طور که گفتم، بیشترین مشکل ما سرقت‌های خرد است که توسط معتادان متجاهر انجام می‌شود و بیشتر لوازم خودرو نیز سرقت می‌شود.